

عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکتهای خدمات مشاوره‌ای  
و فنی کشاورزی  
مورد مطالعه: استان گلستان

**Factors threatening the establishment and operation of  
consulting services and technical agriculture companies,  
Case study: Golestan Province**

محمد رضا محبوبی<sup>۱\*</sup> و مهکامه نجد عباسی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار و عضو هیات علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

---

\* نویسنده مسئول Email: mahboobi47@yahoo.co.in

## خلاصه

هدف این تحقیق بررسی دیدگاه مدیران مراکز خدمات و ترویج جهاد کشاورزی نسبت به عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره ای و فنی کشاورزی در استان گلستان بوده است. تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی بوده، برای انتخاب نمونه‌ها از روش سرشماری استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق، ۳۸ نفر از مدیران مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی استان گلستان بوده‌اند. ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که روایی محتوایی آن با استفاده از نظرات اساتید ترویج و آموزش کشاورزی و کارشناسان صاحب‌نظر در سازمان جهاد کشاورزی استان بعد از چند مرحله اصلاح و بازنگری بدست آمد. همچنین آزمون پیشاهنگی جهت تعیین اعتبار پرسشنامه در خارج از منطقه جغرافیایی تحقیق در جامعه‌ای مشابه با جامعه آماری تحقیق انجام گرفت و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام شده است. نتایج حاصل نشان داد مهمترین عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و فنی از دیدگاه مدیران مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی شامل عدم توجه به مسائل و مشکلات شرکت‌ها و انعکاس آن به سطوح بالاتر، ضعف شرکت‌ها در تأمین امکانات فیزیکی محل استقرار، فضای آموزشی و.. و ترکیب نامناسب تخصصی شرکت‌ها و در نتیجه عدم پاسخگویی آنها در زمینه وظایف محوله بوده است. همچنین نتایج بیانگر رابطه معنی دار بین رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه کار مدیران با سربازان سازندگی و دیدگاه آنان در مورد عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره ای و فنی کشاورزی بوده است. تأمین منابع اعتباری برای تأمین امکانات فیزیکی و تقویت و توسعه شرکت‌های عضو شبکه و برگزاری جلسات دوره‌های آموزشی و مشاوره، برای دستیابی شرکت‌ها به ترکیب مناسب تخصصی از جمله پیشنهادهاى این مطالعه است.

واژگان کلیدی: ترویج کشاورزی، خصوصی سازی، خدمات مشاوره ای، استان گلستان

## Abstract

The purpose of this study was to demonstrate view point managers of the agricultural extension and services center respect to factors threatening the establishment and operation of consulting services and technical agriculture companies in Golestan province. The methodological approach was a descriptive study of survey type and the target population in the study consisted of 38 managers of the agricultural extension and services center of jihad of agriculture in Golestan province. All of these managers were chosen using census methods. Data collected through a questionnaire. Faces of validity have done by view points of faculty members of agricultural extension and education and experts of jihad of agriculture organization. The reliability analysis was conducted and Cronbach's alpha value was 0.91. Data analysis was done using SPSS statistical software. The results showed that the most important factors threatening the establishment and operation of consulting services and technical agriculture companies from view point managers of the agricultural extension and services center included lack of attention to companies' problems and reflect them to the higher levels, companies' weakness in provision of physical facilities and educational space and inappropriate special composition of companies and thus their lack of accountability in their duties. The results also indicated a significant relationship between course of study, education and work experience of managers with construction soldiers and their views about the factors

threatening the establishment and operation of consulting services and technical agriculture companies. This study recommended providing funding sources to provide the physical facilities and strengthen and develop network member companies, meetings and training courses and consulting to achieve companies the right special combination.

**Key words:** Agricultural extension, Privatization, Consulting services, Golestan province

## مقدمه

بخش کشاورزی یکی از محورهای اساسی توسعه اقتصادی در هر کشوری است. در کشور- های توسعه یافته این بخش توسط بخش صنعت حمایت می‌شود ولی در کشورهای در حال توسعه، بخش کشاورزی جبران کننده کاستی‌های بخش صنعت است (طاهری، ۱۳۷۶؛ صدیقی و بیگلریان، ۱۳۸۲). امروزه راهکار منطقی برای توسعه کشاورزی، سرمایه‌گذاری بر روی این بخش در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (تونکاری و اموتور، ۲۰۱۰). در دهه‌های اخیر، تغییرات زیادی در ویژگی‌های کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه رخ داده است که در جریان این تغییرات دولت‌ها نقش بسیار فعالی را در سیاست‌گذاری بخش کشاورزی داشته‌اند (احسن و احمد، ۲۰۰۵).

در دهه هشتاد میلادی، اقتصاددانان، متخصصان و سازمان‌های بین‌المللی خصوصی سازی را به عنوان راهکاری برای رفع بحران‌های اقتصادی در جهان عنوان نمودند که در طی آن خصوصی سازی در بخش ترویج کشاورزی مهم‌ترین نقش را در این امر ایفاء نمود (بهتاش و همکاران، ۱۳۸۵). در ایران نیز طی اجرای قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، واگذاری بخشی از امور و وظایف وزارت کشاورزی در زیر بخش ترویج و آموزش کشاورزی به بخش خصوصی انجام پذیرفت. خصوصی سازی در بخش ترویج کشاورزی نوعی فرآیند است که در آن فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و مشاوره‌ای خارج از نظام دولتی توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود (توده روستا، ۱۳۸۵). در کل صاحب‌نظران خصوصی سازی را به معنای انتقال مالکیت‌ها و دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی و انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط آنان می‌دانند (صدیقی و بیگلریان، ۱۳۸۲). خصوصی سازی در ترویج کشاورزی می‌تواند بسیاری از مسائل ساختاری و مشکلات مطرح شده ترویج را کاهش داده و فعالیت‌های این بخش را اثر بخش‌تر نماید (شاکر، ۲۰۰۱).

برخی محدودیت‌ها و ضعف نظام ترویج بخش عمومی را ساختار متمرکز از بالا به پایین و سطح پوشش ناکافی خدمات دانسته و محدودیت‌های شغلی را عاملی در جهت گرایش جهانی به فرآیند خصوصی سازی می‌دانند (قمر، ۲۰۰۰). به نظر ساراوانان و همکاران (۲۰۰۲)

خصوصی سازی در بخش ترویج کشاورزی می تواند باعث کاهش بار اقتصادی دولت، ارتقاء راندمان تولید، ارتقاء خدمات ترویج به منظور کسب رضایت کشاورزان، افزایش مسئولیت-پذیری و ایجاد رقابت در نظام کشاورزی شود. آنان مشکلات مالی، تجاری شدن بخش کشاورزی و ضعف بخش دولتی را لزوم خصوصی سازی در کشاورزی می دانند. موک (۲۰۱۰) معتقد است توسعه خدمات پشتیبانی، توانمندسازی و ترتیبات سازمانی، ترویج خصوصی را در پاسخ به چالش های فراروی خود کمک خواهد کرد. وی همچنین بر جهت گیری خدمات ترویج خصوصی به سوی ایجاد درآمد بیشتر و تسهیلات بازار برای کشاورزان تاکید می کند. مویانگا و جین (۲۰۰۸) بر نقش دولت در تامین بودجه، کنترل کیفی و نظارت بر نظام ترویج خصوصی تاکید دارند و دین پناه و همکاران (۱۳۸۷) پایین بودن درآمد غالب کشاورزان و ناتوانی پرداخت هزینه، پایین بودن تعداد مروجان نسبت به وسعت مناطق کشاورزی و جمعیت کشاورزان، عدم تناسب برنامه های خصوصی سازی با نیازهای کشاورزان، برنامه ریزی بالا به پایین، مخالفت سیاستگذاران محلی با ترویج خصوصی و وجود برنامه ها و قوانین متناقض را از مهم ترین مانع های خصوصی سازی ترویج در ایران بر شمرده اند.

اگر چه برخی از مطالعات انجام شده بیانگر نگرش مثبت متخصصان و کارشناسان کشاورزی نسبت به خصوصی سازی ترویج است (هانچینال و همکاران، ۲۰۰۲؛ شیوالینگه گودا و ساراوانان، ۲۰۰۱) با این حال صاحب نظران عامل هایی همچون پایین بودن توانایی تولید اطلاعات، عدم به کارگیری رهیافت های نوین مشارکتی در فعالیت های ترویجی و ناکافی بودن اطلاعات را مانع هایی در کشورهای در حال توسعه در امر واگذاری فعالیت ها به بخش خصوصی بیان نموده اند (آگبامو، ۲۰۰۰). همچنین از جمله مشکلات اجرایی خصوصی سازی ترویج کشاورزی در ایران، شرایط فرهنگی جامعه روستایی می باشد که منجر به مقاومت کشاورزان در برابر پذیرش نوآوری ها، ریسک پذیری پایین کشاورزان خرده پا و عدم پرداخت هزینه در قبال دریافت اطلاعات می شود (فرخی و صدیقی، ۱۳۸۵).

شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای به ساختاری با یک نظام حقوقی مستقل اطلاق می‌گردد که در قالب غیر دولتی نسبت به ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای به بخش کشاورزی اقدام می‌نماید و بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمده است. هدف از ایجاد این شرکت‌ها، افزایش پوشش خدمات مشاوره‌ای و فنی کشاورزی، فراهم کردن زمینه اشتغال و بکارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی، ارتقاء سطح دانش و مهارت تولیدکنندگان و راندمان تولید، کاهش هزینه‌ها، افزایش درآمد، بهبود سطح زندگی کشاورزان، جلب مشارکت بخش غیر دولتی می‌باشد (سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۱۳۸۷). این تحقیق با هدف کلی بررسی دیدگاه مدیران مراکز خدمات و ترویج جهاد کشاورزی نسبت به عامل‌های تهدیدکننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره فنی مهندسی کشاورزی در استان گلستان انجام شده است.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام گرفته و از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش سرشماری استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق، کلیه ۳۸ نفر مدیران مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی استان گلستان بوده‌اند. در بررسی پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شد و مطالعه مقدماتی به روش میدانی از طریق پرسشنامه‌ای با ۴۹ سوال بسته در زمینه ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای و دیدگاه مدیران مراکز خدمات و ترویج جهاد کشاورزی نسبت به عامل‌های تهدیدکننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی استان گلستان انجام پذیرفت. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید ترویج و آموزش کشاورزی و کارشناسان صاحب‌نظر در سازمان جهاد کشاورزی استان بعد از چند مرحله اصلاح و بازنگری به دست آمد. همچنین آزمون پیشاهنگی جهت تعیین اعتبار پرسشنامه در خارج از منطقه جغرافیایی تحقیق انجام گرفت و با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد. دیدگاه مدیران نسبت به عوامل تهدیدکننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی

مهندسی کشاورزی استان گلستان در قالب ۳۹ گویه در زمینه های مرتبط با شاخص های پهنه بندی و برآورد نیروی انسانی (۱۱ گویه)، ویژگی های شرکت های خدمات مشاوره ای (۱۴ گویه) و شیوه مدیریت و راهبری شرکت ها (۱۴ گویه) از طریق طیف لیکرت پنج گزینه ای (خیلی زیاد تا خیلی کم) مورد سوال قرار گرفت. بخش دیگری از پرسشنامه به ویژگی های فردی و حرفه ای مدیران شامل سن، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، تجربه کار در مناطق روستایی، تجربه کار با مهندسان ناظر و ارزیابی میزان توانمندی آنان، تجربه کار با سربازان سازندگی و ارزیابی میزان توانمندی آنان و میزان موافقت با ایده استقرار شبکه خدمات مشاوره فنی مهندسی کشاورزی در مناطق روستایی اختصاص داشت. تجزیه و تحلیل اطلاعات این تحقیق در دو بخش آمار توصیفی ( فراوانی، درصد فراوانی، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی ( تحلیل همبستگی اسپیرمن و کرامرز V) انجام گرفت.

#### نتایج، بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از تحقیق نشان داد تمامی مدیران مرد بوده، دارای میانگین سنی حدود ۴۴ سال بوده اند. محل تولد بیش از نیمی از آنان ۶۵/۸ درصد (۲۵ نفر) روستا بوده است که نشان دهنده این است که اکثر مدیران دارای خاستگاه روستایی بوده اند. بیش از نیمی از مدیران (۶۵/۸ درصد) دارای سطح تحصیلات کارشناسی بوده اند که ۵۷/۹ درصد (۲۲ نفر) از آنان در رشته زراعت گرایش دانه های روغنی تحصیل نموده اند. همچنین میانگین سابقه کار آنان حدود ۲۰ سال با انحراف معیار ۵/۰۸ بود که بیشترین آنان در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال با ۳۶/۸ درصد (۱۴ نفر) قرار داشتند که نشان دهنده سابقه کاری بالای آنان می باشد. میانگین تجربه کار آنان در مناطق روستایی ۱۶/۷۶ سال با انحراف معیار ۷/۲۰ بوده است که بیش از نیمی از آنان (۲۳ نفر) در گروه ۱۰-۲۰ سال بوده اند که بیانگر تجربه بالای آنان در زمینه کار در مناطق روستایی و ارتباط با روستاییان و کشاورزان است. میانگین تجربه کار آنان با مهندسان ناظر ۷/۹۲ سال با انحراف معیار ۱۵/۳۹ و ارزیابی آنان از مهندسان ناظر بدین صورت بوده است که بیش از نیمی از آنان (۲۵ نفر معادل ۶۵/۸ درصد نفر)، توانمندی ناظران را در انجام

وظایف ترویجی در حد متوسط ارزیابی کرده اند. میانگین تجربه کار آنان با سربازان سازندگی ۸/۴۷ سال با انحراف معیار ۱۵/۳۱ و ۱۳ نفر (معادل ۳۴/۲ درصد) از آنان توانمندی سربازان را در انجام وظایف ترویجی در حد کم ارزیابی کرده اند. این نتیجه نشان می دهد مدیران مراکز خدمات و ترویج کشاورزی، توانمندی مهندسان ناظر را در انجام وظایف ترویجی بیشتر از سربازان سازندگی ارزیابی کرده اند. همچنین ۴۴/۷ درصد از مدیران (۱۷ نفر) در حد زیاد و خیلی زیاد، ۳۶/۸ درصد (۱۴ نفر) در حد کم و خیلی کم و ۱۸/۴ درصد (۷ نفر) در حد متوسط با ایده استقرار و فعالیت شرکت های خدمات مشاوره فنی مهندسی کشاورزی در مناطق روستایی موافق بوده اند که این نتیجه اگر چه بیانگر موافقت اکثر مدیران با ایده استقرار و فعالیت شرکت ها در مناطق روستایی است ولی با این حال به نظر می رسد لازم است با برگزاری نشست های آموزشی و توجیهی نسبت به آماده سازی ذهنی مدیران برای پذیرش، استقرار و فعالیت شرکت ها اقدام لازم صورت پذیرد.

جدول ۱- ویژگی فردی و حرفه ای مدیران

ویژگی	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
سن	۴۳/۸۱	۴/۲۹	۵۳	۳۳
سابقه کار	۲۰/۱۰	۵/۰۸	۲۹	۶
تجربه کار در مناطق روستایی	۱۶/۷۶	۷/۲۰	۰	۳۶
تجربه کار با مهندسان ناظر (سال)	۷/۹۲	۱۵/۳۹	۰	۱۰
تجربه کار با سربازان سازندگی (سال)	۸/۴۷	۱۵/۳۱	۰	۱۴

به منظور تعیین مهمترین عامل های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت های خدمات مشاوره ای از دیدگاه مدیران مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی، میانگین رتبه ای نظرات آنان محاسبه و اولویت بندی شد. برای اولویت بندی از ضریب تغییرات استفاده شد که



شاخصی نسبی بوده و امکان مقایسه متغیرهای مختلف را فراهم می کند. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود در رتبه بندی عامل های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت های خدمات مشاوره ای، به ترتیب عدم توجه به مسائل و مشکلات شرکت ها و انعکاس آن ها به سطوح بالاتر، ضعف شرکت ها در تأمین امکانات فیزیکی محل استقرار و فضای آموزشی و.. و ترکیب نامناسب تخصصی شرکت ها و در نتیجه عدم پاسخگویی آنها در زمینه وظایف محوله با ضریب تغییرات ۰/۱۷۸، ۰/۱۹۲ و ۰/۱۹۲ به ترتیب در رتبه های ۱ تا ۳ قرار گرفتند. این نتیجه بیانگر لزوم توجه بیشتر جهاد کشاورزی و نظام مهندسی استان به مسایل و مشکلات شرکت ها، ارایه تسهیلات و اعتبارات لازم برای تأمین فضا و امکانات کاری و برگزاری نشست ها و دوره های آموزشی و مشاوره برای شرکت ها به منظور دستیابی به ترکیب مناسب تخصصی آنها است. همچنین کارشناسان، ناکافی بودن تعداد نیروی انسانی پیش بینی شده مورد نیاز شبکه در استان با ضریب تغییر ۰/۳۴۸، ضعف مراکز خدمات ترویج برای وظایف تولی-گری پیش بینی شده با ضریب تغییر ۰/۳۵۴ و مداخله نهادهای دولتی و غیردولتی در کار شرکت ها با ضریب تغییر ۰/۳۸۶ را به عنوان عامل های کم اهمیت در خصوص تهدید استقرار و ادامه فعالیت شرکت ها تشخیص داده اند.

جدول ۲- میانگین، انحراف معیار و اولویت بندی عامل های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت ها

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین*	گویه ها
۱	۰/۱۷۸	۰/۶۷	۳/۷۶	عدم توجه به مسائل و مشکلات شرکت ها و انعکاس آن ها به سطوح بالاتر
۲	۰/۱۹۲	۰/۷۹	۴/۱۱	ضعف شرکت ها در تأمین امکانات فیزیکی محل استقرار، فضای آموزشی و..
۳	۰/۱۹۲	۰/۷۶	۳/۹۴	ترکیب نامناسب تخصصی شرکت ها و در نتیجه عدم پاسخگویی آنها در زمینه وظایف محوله
۴	۰/۱۹۳	۰/۷۶	۳/۹۲	عدم استقرار مناسب شرکتها بر اساس ظرفیتها و پتانسیل های انسانی
۵	۰/۱۹۵	۰/۷۴	۳/۷۸	عدم شناخت شرکت ها از ویژگی های فرهنگی، اقتصادی و... جوامع بهره بردار
۶	۰/۲۰۳	۰/۸۰	۳/۹۴	ضعف شرکت ها در انجام مناسب برخی وظایف تصدی گری قابل واگذاری پیش بینی شده
۷	۰/۲۱۵	۰/۸۰	۳/۷۱	عدم توجه مدیران سطوح بالا به تعامل با شرکت ها
۸	۰/۲۱۸	۰/۸۶	۳/۹۴	عدم توان ارائه مشاوره فنی به بهره برداران
۹	۰/۲۲۳	۰/۹۱	۴/۰۷	عدم تأمین به موقع و کافی منابع اعتباری مورد نیاز شرکت ها
۱۰	۰/۲۲۴	۰/۸۸	۳/۹۲	ناتوانی شرکت ها در انجام وظایف محول با توجه به شرایط و ترکیب کارشناسی
۱۱	۰/۲۲۷	۰/۹۲	۴/۰۵	حمایت نا کافی از شرکت ها و رها کردن آنها به حال خود
۱۲	۰/۲۳۴	۰/۸۸	۳/۷۶	عدم استقلال شرکت ها و وابسته ماندن آنها به دولت
۱۳	۰/۲۳۸	۰/۹۰	۳/۷۸	عدم استقرار مناسب شرکتها بر اساس ظرفیت های منطقه ای
۱۴	۰/۲۳۸	۰/۹۰	۳/۷۸	عدم آشنایی عاملین و اعضا با روش های ارتباط و آموزش بهره برداران
۱۵	۰/۲۴۰	۰/۹۳	۳/۸۶	جوانی و تجربه اندک اعضای شرکتها برای کار در مناطق روستایی
۱۶	۰/۲۴۱	۰/۹۸	۴/۰۵	عدم توانایی و تمایل بهره برداران برای پرداخت هزینه های مشاوره فنی شرکتها
۱۷	۰/۲۴۵	۰/۹۸	۴/۰۰	عدم توجه کافی به اجرای دوره های آموزشی ارتقا توانمندی اعضای شرکتها
۱۸	۰/۲۴۶	۰/۹۰	۳/۶۵	عدم تحقق اهداف استقرار شرکتها در زمینه اصلاح نسبت بهره بردار به مروج
۱۹	۰/۲۴۶	۰/۹۰	۳/۶۵	نامناسب بودن سطح عملکردی در نظر گرفته شده به ازای هر نفر کارشناس
۲۰	۰/۲۴۹	۰/۹۵	۳/۸۱	فقدان روحیه کار و خدمت در مناطق روستایی
۲۱	۰/۲۵۰	۰/۹۴	۳/۷۶	عدم وجود اعتقاد کافی نزد مدیران سطوح بالا در زمینه ایجاد و استقرار شرکتها
۲۲	۰/۲۵۱	۰/۹۸	۳/۸۹	عدم تحقق اهداف استقرار شرکتها در زمینه اشتغال و کارآفرینی
۲۳	۰/۲۵۲	۰/۹۱	۳/۶۰	عدم نرخ گذاری مناسب خدمات قابل واگذاری به شرکتها
۲۴	۰/۲۵۹	۰/۹۲	۳/۵۵	ناتوانی شرکتها در تعامل مناسب یا سایر شرکت های عضو شبکه مثل تعاونی های تولید و...
۲۵	۰/۲۶۵	۰/۹۲	۳/۴۷	تبعیض در استقرار و رسیدگی به امور شرکتها
۲۶	۰/۲۶۶	۱/۰۸	۴/۰۵	عدم رسیدگی و نظارت مناسب بر تخلفات شرکتها
۲۷	۰/۲۶۷	۰/۹۷	۳/۶۳	نامناسب بودن شاخص های پهنه بندی به خدمت گرفته شده مربوط به استقرار شرکتها
۲۸	۰/۲۶۹	۰/۹۷	۳/۶۰	وجود معیارهای نامناسب در رتبه بندی شرکتها

۲۹	۰/۲۷۵	۱/۰۴	۳/۷۸	عدم اعتماد بهره برداران به شرکت‌ها
۳۰	۰/۲۷۸	۱/۰۶	۳/۸۱	ناکافی بودن عناوین دوره‌های آموزشی پیش بینی شده برای اعضای شرکت‌ها
۳۱	۰/۲۹۰	۰/۹۶	۳/۳۱	نامناسب بودن انتخاب دهستان به عنوان شاخص پهنه بندی برای استقرار شرکت‌ها
۳۲	۰/۲۹۰	۱/۰۰	۳/۴۴	عدم توانایی شرکت‌ها در انجام فعالیت‌های قابل واگذاری مراکز ترویج و خدمات
۳۳	۰/۳۰۰	۰/۹۷	۳/۲۳	وجود آیین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات برای انجام فعالیت شرکت‌ها
۳۴	۰/۳۰۱	۱/۱۴	۳/۷۸	فقدان توان در انتقال یافته‌ها تحقیقی به سطح مزارع
۳۵	۰/۳۲۵	۱/۰۷	۳/۳۹	عدم استقلال شرکت‌ها در تصمیم گیری
۳۶	۰/۳۲۵	۱/۱۲	۳/۳۴	عدم توانمندی کافی مراکز خدمات و ترویج برای ارزیابی و نظارت بر فعالیت شرکت‌ها
۳۷	۰/۳۴۸	۱/۰۷	۳/۰۷	نا کافی بودن تعداد نیروی انسانی پیش بینی شده مورد نیاز شبکه در استان
۳۸	۰/۳۵۴	۱/۱۹	۳/۳۶	ضعف مراکز خدمات ترویج برای وظایف تولی‌گری پیش بینی شده
۳۹	۰/۳۸۶	۱/۱۸	۳/۰۵	مداخله نهادهای دولتی و غیردولتی در کار شرکت‌ها

۵ = خیلی زیاد    ۴ = زیاد    ۳ = متوسط    ۲ = کم    ۱ = خیلی کم

نتایج حاصل از همبستگی بین دیدگاه مدیران نسبت به عامل‌های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی استان گلستان در زمینه‌های مرتبط با شاخص‌های پهنه بندی و برآورد نیروی انسانی، ویژگی‌های شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و شیوه مدیریت و راهبری شرکت‌ها و ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مدیران شامل سن، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، تجربه کار در مناطق روستایی، تجربه کار با مهندسان ناظر و ارزیابی میزان توانمندی آنان، تجربه کار با سربازان سازندگی و ارزیابی میزان توانمندی آنان و میزان موافقت با ایده استقرار شبکه خدمات مشاوره فنی مهندسی کشاورزی در مناطق روستایی نتایج نشان داد رابطه معنی داری بین رشته تحصیلی مدیران و تجربه کار آنان با سربازان سازندگی و دیدگاه آنان در مورد عامل‌های مدیریتی تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی وجود داشته است. همچنین رابطه معنی داری بین سطح تحصیلات مدیران و دیدگاه آنان در مورد عامل‌های تهدید کننده مرتبط با ویژگی شبکه‌ها وجود داشته است.

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی

نام متغیر	مقیاس	همبستگی
سطح تحصیلات	اسمی	۰/۸۴۹*
رشته تحصیلی	اسمی	۰/۷۴۹*
تجربه کار با سربازان سازندگی	اسمی	۰/۰۴۵*

\* معنی داری در سطح ۵ درصد

برای بررسی تفاوت بین دیدگاههای پاسخگویان در مورد عامل های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت های خدمات مشاوره ای فنی مهندسی کشاورزی بر حسب سطح تحصیلات (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. با توجه به سطح معنی داری F می توان گفت تفاوت معنی داری بین دیدگاه پاسخگویان در مورد عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت های خدمات مشاوره ای فنی مهندسی کشاورزی بر حسب سطوح مختلف تحصیلی (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) وجود داشته است.

جدول ۴- مقایسه تفاوت میانگین بین دیدگاههای پاسخگویان در مورد عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت ها

معنی داری	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت ها
۰/۰۴	۳/۴۶۲	۹۳۶/۴۹	۲	۱۸۷۲/۹۸	بین گروهها
		۲۷۰/۴۷	۳۵	۹۴۶۶/۶۸	درون گروهها
			۳۷	۱۱۳۳۹/۶۶	کل

نتایج نشان داد اکثر مدیران با ایده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره فنی مهندسی کشاورزی در مناطق روستایی موافق بوده اند که با یافته‌های شیوالینگه گودا و ساراوانان (۲۰۰۱) و هانچینال و همکاران (۲۰۰۲) مطابقت دارد. بر اساس نتایج بدست آمده مهمترین عامل‌های تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای از دیدگاه مدیران مراکز ترویج و خدمات جهاد کشاورزی شامل عدم توجه به مسائل و مشکلات شرکت‌ها و انعکاس آن به سطوح بالاتر، ضعف شرکت‌ها در تأمین امکانات فیزیکی محل استقرار، فضای آموزشی و.. و ترکیب نامناسب تخصصی شرکت‌ها و در نتیجه عدم پاسخگویی آنها در زمینه وظایف محوله بوده است که در برخی موارد با یافته‌های دین پناه و همکاران (۲۰۰۹) و اگبامو (۲۰۰۰) مطابقت دارد. همچنین نتایج بیانگر رابطه معنی دار بین متغیرهای رشته تحصیلی، سطح تحصیلات و تجربه کار مدیران با سربازان سازندگی و دیدگاه آنان در مورد عوامل تهدید کننده استقرار و فعالیت شرکت‌های خدمات مشاوره فنی و مهندسی کشاورزی بوده است. با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

۱. توصیه می شود مدیران جهاد کشاورزی و نظام مهندسی استان ضمن سرکشی به شرکت‌ها و تعامل بیشتر با آنان، از نزدیک در معرض مسایل و مشکلات آنان قرار گرفته، نسبت به انعکاس آن سطوح بالای راهبری شبکه اقدام نمایند.
۲. نسبت به تأمین منابع اعتباری برای تأمین امکانات فیزیکی و تقویت و توسعه شرکت‌های عضو شبکه از طریق نظام بانکی، کمک‌های بلا عوض دولتی، منابع اعتباری ناشی از مصرف هدف مند و بهینه یارانه نهاده‌های کشاورزی و همچنین تأسیس صندوق حمایت از شبکه های خدمات مشاوره فنی و مهندسی کشاورزی اقدام لازم صورت پذیرد.
۳. نسبت به تأمین فضای کاری و فعالیت شرکت‌ها از طریق پتانسیل‌ها و ظرفیت موجود نظیر مراکز خدمات و ترویج کشاورزی، شرکت‌های تعاونی تولید، کتابخانه ها و خانه های ترویج اقدام لازم صورت پذیرد.

۴. با توجه به تخصصی بودن فعالیت‌ها و کارکردهای مختلف شرکت‌ها در عرصه‌های عملیاتی در تعامل با بهره‌برداران، با برگزاری نشست‌ها و دوره‌های آموزشی و مشاوره، زمینه‌های لازم برای دستیابی شرکت‌ها به ترکیب مناسب تخصصی فراهم آید.
۵. در اولویت‌گذاری حضور مهندسان ناظر و سربازان سازندگی برای تشکیل شرکت‌ها و حضور آنان در ترکیب تخصصی شرکت‌ها، معیارهایی چون داشتن سابقه کاری مفید و تجربه کار در مناطق روستایی و با گروه‌های بهره‌بردار مدنظر قرار گیرد.

### منابع

۱. بهتاش، م. ج. آجیلی، ع. و اشرفی، پ. ۱۳۸۵. نگرش کارکنان ترویج کشاورزی منطقه شمال غرب استان خوزستان نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی و عوامل موثر آن. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۲ (۲): ۱۱۱-۱۲۱.
۲. فرخی، ص. و صدیقی، ح. ۱۳۸۰. بررسی نگرش کارشناسان و کشاورزان استان ایلام به خصوصی سازی ترویج کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. ۳۶ (۲): ۳۹۹-۴۰۸.
۳. معاونت ترویج و آموزش سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. ۱۳۸۷. برنامه عملیاتی استقرار شبکه خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی. تهران: نشر آموزش کشاورزی. ۶۴ ص.
۴. صدیقی، ح. و بیگلریان، م. ۱۳۸۳. بررسی نگرش مدیران ارشد سازمان‌های جهاد کشاورزی نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی در ایران. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی. ۸ (۴): ۱۷-۲۹.
۵. طاهری، ب. ۱۳۷۶. توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. انتشاران آروین، تهران.
۶. توده روستا، م. ۱۳۸۳. خصوصی سازی در کشور، مشکلات و راهکارها، جهاد: (۲۶۱) ۲۳.
7. Agbamu, J. 2000. Agricultural research extension linkage systems: An international perspective. Agricultural research and extension network. Department for International Development, UK. Filson GC and Serman N. 1999. Agricultural technology: Why would farmers adopt? OECD, Paris, French.
8. Ahsan, M. N. & M. N. Ahmed. 2005. Impacts of Land Utilization Systems of Agricultural Productivity. Available at: [www.apo-tokyo.org/00e-books/ag-11-land](http://www.apo-tokyo.org/00e-books/ag-11-land).
9. Dinpanah, GH, Khatoonabadi, A &, J. Eskandari. 2009. A Study of the consequences, obstacles and feasibility of Agricultural extension

- privatization in Isfahan Province from specialists' point of view, Iranian Journal of Agricultural Economic and Development Research, 3 (3):61-71.
10. Hanchinal, S. N., Sundaraswamy, B. & M. R. Ansari .2001. Attitudes and preferences of farmers towards privatization of extension service. In P. Chandra Shekara (Ed.). Private extension in India: myths, realities, apprehension and approaches. National Institute of Agricultural Extension Management.
  11. Muyanga, M & T.S. Jayne. 2008. Private agricultural extension system in Kenya: Practice and policy lessons. The Journal of Agricultural Education and Extension. 14 (2): 111-124.
  12. Muke, M. 2010. Opportunities and challenges for private service delivery: The case of private crop protection and community animal health workers' service delivery in Alaba special district, Southern Ethiopia, Mse dissertation , Haramaya University, 131 p.
  13. Qamar, M. k. 2000. Agricultural Extension at the Turn of the Millennium: Trends and challenges. Rome food and Agriculture Organization, Rome.
  14. Saravanan, R. Nagaraj, K. H. & N. S. Shivalinge Gowda .2002. Privatizing agricultural extension concepts, reasons and assumptions. National institute of agricultural extension management, on line: [www.Manage.gov.in/Abstracts.htm](http://www.Manage.gov.in/Abstracts.htm).
  15. Shaker, P.C. 2001. Private Extension in India: Myths, Realities, Apprehensions and Approaches, Hyderabad, India.
  16. Shivalinge Gowda, N. S. & R. Saravanan. 2001. Attitude and preferences of agricultural scientists toward privatization of agricultural extension service. In P. Chandra Shekara (Ed.). Private Extension in India: myths, realities, apprehension and approaches. National Institute of Agricultural Extension Management.
  17. Tonkari, N.J. & D.G. Omotor. 2010. Biotechnology and food security in developing country. Biotechnology and Molecular Biology Reviews, 5 (1), 013-023.